

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Infill Architecture: An Interdisciplinary Approach to the Design of Historic Context
(Case Study: Mashruteh Complex in the Historic Bazaar of Tabriz, Iran)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

معماری میان‌افزا؛ رویکردی میان‌رشته‌ای برای طراحی در بافت تاریخی نمونه موردی: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز*

مینو قره‌بگلو**^۱، احد نژادابراهیمی^۲، ایلقار اردبیلچی^۳

۱. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
۲. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
۳. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۱۰ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۶ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۷/۰۱

چکیده

بیان مسئله: معماری میان‌افزا در بافت تاریخی، رویکردی بین‌رشته‌ای است؛ به همین دلیل باید در چارچوبی که حاصل تعامل میان معماری، شهرسازی و مرمت است، مورد بررسی قرار گیرد. عدم توجه به این تعامل آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به ارزش‌های بافت‌هایی تاریخی چون بازار تبریز وارد کرده است و مانعی برای تحقق انتظارات از معماری‌های میان‌افزا به آن می‌شود.

هدف: هدف این پژوهش، تبیین معماری میان‌افزا در بافت تاریخی در چارچوبی تعاملی میان حوزه‌های شهرسازی، معماری و مرمت است تا منجر به بررسی چابکی آن و تدوین الگوی طراحی و ارزیابی در قالب دیدگاه میان‌رشته‌ای شود. در ادامه نیز مبتنی بر این الگو، مجموعه مشروطه واقع در بازار تاریخی تبریز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق: روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی از جنبه کاربردی است؛ بنابراین در این تحقیق، با مطالعه نظریات مرتبط با مقوله معماری میان‌افزا در بافت شهری-تاریخی، الگویی که روابط بین‌رشته‌ای را تبیین می‌کند، ارائه شده و مبنای موردپژوهشی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: بررسی‌ها نشان می‌دهد معماری میان‌افزا در نگرش میان‌رشته‌ای در حوزه شهرسازی، معیارهای مطرح در توسعه هوشمند، پایدار و نوشهرگرایی، در حوزه مرمت، اهداف معین در مرمت شهری و مرمت معماری، و در حوزه معماری، طراحی محافظه‌کارانه، معاصر ساز و اعتدال‌گرایانه را مدنظر قرار می‌دهد. نگرش میان‌رشته‌ای باعث تبیین معماری میان‌افزا در قالب الگویی رفت و برگشتی بین حوزه‌های مؤثر می‌شود. بررسی میان‌افزایی مجموعه تجاری مشروطه در بازار تاریخی تبریز نشان می‌دهد که این بنای میان‌افزا، از منظر حفاظت، رویکرد مرمت شهری، از منظر شهرسازی، رویکرد توسعه پایدار و نوشهرگرایی و از منظر معماری، رویکرد معاصر سازی دارد. تحلیل بر مبنای جدول سوات (SWOT) نیز نشان می‌دهد که افزودن این ساختار جدید در کنار نقاط قوت و پتانسیل‌ها، موجب ایجاد نقاط ضعف و تهدیدهایی نیز شده است که باید براساس راهبردهای قوت-تهدید، قوت-فرصت و ضعف-فرصت رفع شوند.

واژگان کلیدی: میان‌افزایی، بافت تاریخی، معماری، حفاظت، شهرسازی، بازار مشروطه، تبریز.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد ایلقار اردبیلچی تحت عنوان «واکاوی سطوح ادراک مخاطبان از معماری میان‌افزا در بافت تاریخی شهر تبریز؛ نمونه موردی: میان‌افزایی‌های صورت‌گرفته در حفاصل بازار تاریخی تا حاشیه جای‌کنار» است که به راهنمایی دکتر مینو قره‌بگلو و مشاوره دکتر احد نژادابراهیمی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز ارائه شده است.
** نویسنده مسئول: ۰۴۱۳۵۵۴۱۸۱۲، m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد ایلقار اردبیلچی تحت عنوان «واکاوی سطوح ادراک مخاطبان از معماری میان‌افزا در بافت تاریخی شهر تبریز؛ نمونه موردی: میان‌افزایی‌های صورت‌گرفته در حفاصل بازار تاریخی تا حاشیه جای‌کنار» است که به راهنمایی دکتر مینو قره‌بگلو

مجموعه بر مبنای الگوی پیشنهادی و جدول سوات، وضعیت موجود را استخراج می‌کند و مبنایی جهت تدوین استراتژی‌هایی در راستای ارتقای کیفیت مجموعه ارائه می‌دهد.

معماری میان‌افزا در بافت تاریخی

معماری میان‌افزا^۱ را باید حاصل نگرش توسعه درون‌زای شهری دانست که با هدف ارائه راه‌حل برای مشکلات برخاسته از رشد پراکنده و بی‌رویه شهرها پیشنهاد شد. توسعه میان‌افزای شهری^۲ در ۱۹۷۶ م. در کنفرانس هیئات دوم^۳ مطرح و در ۱۹۷۹ م. توسط انجمن املاک و مستغلات آمریکا رسماً تعریف شد (پورموسوی، ناصر مستوفی و شکوهی بیدهدی، ۱۳۹۳، ۱۱). این نوع از توسعه با استفاده از قطعات خالی زمین در بافت شهری و زمین حاصل از تخریب ساختمان‌های موجود، که امروزه بهره‌وری قابل قبولی ندارند، با هدف ممانعت از رشد شهر به سمت فضاهای باز و زمین‌های زراعی اطراف ارائه شده است (CABE, 2005, 258-259). این تعریف تا اواخر قرن ۲۰ م. غنی شد، ولی محدوده آن از تأکید بر افزایش تراکم و باززنده‌سازی بافت شهری فراتر نرفت (Farris, 2001; Haughey, 2001; Robinson & Cole, 2002). میان‌افزایی داخل فضای قابل استفاده بافت شهری، بافت‌های تاریخی را به عنوان یکی از محیط‌های قابل استفاده مطرح می‌کند. این بافت که به دلیل جنبه‌های کالبدی و غیرکالبدی آن اهمیتی دوچندان دارد، نیازمند حساسیت بیشتر است. بنابراین بیشتر در حوزه حفاظت-مرمت مورد توجه است. با این وجود آنچه در این حوزه اهمیت دارد، ارائه ساختاری جدید است که با توجه به واژگان معماری قرن ۲۱ م. شکل گرفته (Worthington, 1998, 179) و منطبق بر الگوی نوین فعالیت و تکنولوژی‌های در حال توسعه باشد و موقعیت‌هایی را برای توسعه شهر در بافت موجود توسط آیندگان فراهم کند (ترک‌زبان و محمدمرادی، ۱۳۹۰). بنابراین، ساختارهای جدید از منظر سبک، فرم و توده، سازه و شیوه ساخت، کاربری و روابط فضایی، مصالح، جزئیات، مقیاس و تناسبات (Warren, Wor-thington & Taylor, 1998, 10-16؛ شاه‌تیموری و مظاهریان، ۱۳۹۱) باید با معماری معاصر هم‌خوان باشند و حداکثر ارتباط و پیوستگی با بافت مجاور را با حداقل آسیب بصری به آن تأمین کنند (Worthington, 1998, 179). اکثر مطالعات مرتبط راهکارهایی را ارائه داده‌اند که معمار، با اهداف حفاظتی و بعضاً معماری، باید آنها را در طراحی بنای میان‌افزا مدنظر قرار دهد. پژوهش حاضر در ادامه این مطالعات انجام می‌شود و با این تفاوت که این پژوهش با نگرشی بین‌رشته‌ای به معماری میان‌افزا می‌نگرد. این کار در نهایت به کمک رویکردی کل‌نگر منجر به تبیین ماهیت و الگوی طراحی-ارزیابی این معماری می‌شود.

مقدمه و بیان مسئله

افزودن ساختارهای معاصر در یک محیط تاریخی موضوع جدیدی نیست، ولی پیشنهاد آن به عنوان روشی برای توسعه کارآمد شهری، در قرن ۲۰ م. مطرح و در آن بر الزام استفاده حداکثری از امکانات موجود داخل بافت شهری تأکید شد. این طراحی حساسیت بیشتری می‌طلبد. تخصص‌های مورد نیاز برای آن، الزام تعریف آن را در قالب مفهومی بین‌رشته‌ای مطرح می‌کند. بین‌رشته‌ای بودن ماهیت این موضوع تأثیر مهمی بر رویکرد و رهنمودهای طراحی دارد. از آنجا که هر رشته، این مقوله را در چارچوب و اصول خود مطالعه می‌کند و این نوع میان‌افزایی در محیط‌های تاریخی و باارزش رخ می‌دهد، آسیب‌های برخاسته از اتخاذ رویکردی تک‌بعدی در سطوحی وسیع‌تر از سه‌گرایش دیده می‌شود که موجب آسیب دیدن ماهیت کالبدی و غیرکالبدی بافت تاریخی می‌شود. بر این اساس مسئله پژوهش، تبیین ابعاد میان‌افزایی در بافت تاریخی با توجه به حوزه‌های شهرسازی، مرمت و معماری است. هدف اصلی تحقیق نیز یافتن الگویی است که براساس راهکارهای پیشنهادی در حوزه شهرسازی، معماری و مرمت بتواند مبنایی برای ارزیابی میان‌افزایی مجموعه تجاری مشروطه در جوار بازار تاریخی تبریز باشد؛ چراکه ارزیابی این مجموعه به سبب قرارگیری در بافتی باارزش در سطح ملی و جهانی، اهمیتی صدچندان دارد. لازم به ذکر است این الگو به سبب انطباق با اهداف هر رشته موجب ارتقای کیفیت پروژه‌های میان‌افزا می‌شود و در ارزیابی‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد تا دستاوردهای مثبت و منفی هر پروژه و مسیر بهبود آن را نشان دهد. همچنین این الگو می‌تواند در مسیر برنامه‌دهی و طراحی نیز مدنظر قرار گیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق نوشتار حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی از جنبه کاربردی است. این روش پژوهشگر را برای شناخت بهتر شرایط موجود در راستای اخذ تصمیمات صحیح (سرمد، بازگان و حجازی، ۱۳۹۴، ۸۱-۸۲) و تصویرسازی آنچه وجود دارد و تشریح و تبیین دلایل و چرایی مسئله یاری می‌کند. بنابراین با مطالعه ادبیات و پیشینه موضوع، نظریات مطرح در چارچوب مسئله گردآوری و جمع‌بندی می‌شوند تا براساس آن بتوان الگویی میان‌رشته‌ای برای معماری میان‌افزا در بافت تاریخی تدوین کرد. این الگو علاوه بر تشریح روابط بین‌رشته‌ای، مبنایی برای توصیف و تحلیل در پروسه طراحی و ارزیابی این میان‌افزا نیز به شمار می‌رود. در این پژوهش، بنای میان‌افزای مشروطه در بازار تاریخی تبریز به عنوان نمونه موردی، بررسی می‌شود. داده‌های حاصل از تحلیل کیفی این

حوزه مطالعاتی شهرسازی

مسائل و معضلات کالبدی، زیست محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روان شناسانه حاصل از آشوب های معماری و شهر به تبع انقلاب صنعتی (قرن هجدهم میلادی) و مدرنیسم (اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی) ارائه راهکارهایی جهت رفع این معضلات را الزامی کرده بود. توسعه میان افزایی یکی از این راهکارها است (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۳) که بعد از ۱۹۷۹ م. مجدداً بازتعریف شد. این تعاریف بر کلیدواژه‌گان معینی تکیه داشتند که در جدول ۱ ارائه شده است.

در این تعاریف، موقعیت اشاره به میان افزایی در محدوده‌هایی می‌کند که از توسعه به دور مانده‌اند؛ مانند زمین‌هایی خالی از هر ساختمان به علت تخریب ساختمان یا بخشی از آن و یا زمین‌هایی که در جریان توسعه و بعد از آن دارای کاربری‌های

رویکردهای مختلف در نگرش میان افزایی در بافت تاریخی

از آنجا که افزودن ساختارهای جدید بر ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی زمینه، به ویژه در بافت تاریخی اثرگذار است، الزام وجود چندین حوزه مطالعاتی برای تضمین کیفیت نهایی طرح از ابعاد مختلف وجود دارد. از جمله حوزه‌های مطالعاتی مذکور، شهرسازی، مرمت و معماری است؛ بدین معنا که بافت تاریخی قبل از هر چیز، بافت شهری است و راهکار شهرسازی باید بر ساختارهای جدید ناظر باشد. به علاوه، ساختارهای جدید را نیز باید در قالب گونه‌ای توسعه شهری دانست که ریشه در شهرسازی دارد. از جانب دیگر بافت و بنای تاریخی باید در حوزه حفاظت بررسی شود. همچنین طراحی هر ساختار جدید در تخصص معمار است.

جدول ۱. تعاریف توسعه میان افزایی. مأخذ: نگارندگان برگرفته از (McConnell & Wiley, 2010; Lehmann, 2012; Listokin et al., 2006)

مؤلفه تأکیدی	تعریف توسعه میان افزایی	سال	نظریه پرداز / سازمان
موقعیت قرارگیری	میان افزایی، توسعه در قطعاتی که طی دوران توسعه پیوسته شهر از فرایند توسعه به دور افتاده‌اند.	۱۹۸۲	RERC ^۴
موقعیت قرارگیری، عملکردی	میان افزایی، توسعه مسکونی یا غیرمسکونی در مکان‌های خالی و پراکنده در جریان توسعه یافتگی مناطق شهرداری‌هاست.	۱۹۸۴	اسچولتز و کاسن
موقعیت قرارگیری	میان افزایی، شکلی از توسعه شهری است که بر روی زمین‌های متروکه، رها شده و بدون استفاده داخل بافت موجود شهرها شکل می‌گیرد.	۱۹۹۰	فالكونر و فرانک
موقعیت قرارگیری، عملکردی	میان افزایی، توسعه ساخت و ساز مسکن و روند توسعه مناطق باز در یک منطقه مشخص شده، قبل از توسعه در خارج از منطقه موجود است.	۱۹۹۶	روسنر و روسنر
موقعیت قرارگیری، عملکردی، کالبدی	میان افزایی، بازسازی خلاقانه زمین‌های خالی و کم‌مصرف در شهرها و حومه‌های آنهاست که اغلب شامل توسعه مجدد ساختمان‌ها و سایت‌ها و بازسازی ساختمان‌های تاریخی برای استفاده‌های جدید است.	۲۰۰۱	انستیتو و کنگره شهرسازی جدید
موقعیت قرارگیری، عملکردی، کالبدی	میان افزایی اشاره به ساخت مسکن جدید، محل کار، مغازه‌ها و سایر امکانات، داخل مناطق شهری یا حومه موجود دارد. انواع این توسعه شامل ساخت روی زمین‌های خالی، استفاده مجدد از سایت‌های استفاده نشده از قبیل مکان‌های پارکینگ و سایت‌های صنعتی قدیمی و توان بخشی یا گسترش ساختمان‌های موجود است.	۲۰۰۲	ویبلر
موقعیت قرارگیری	میان افزایی در انفصال‌های کوچک در زمین‌های خالی که در مناطق توسعه یافته قرار دارند، رخ می‌دهد.	۲۰۰۲	اویژن اوله ^۵
موقعیت قرارگیری	میان افزایی، توسعه‌ای است که در سایت‌های خالی در مناطق شهری و توسعه مجدد مناطق مجاور به شهرها رخ می‌دهد که در آن، همه خدمات و امکانات برای افزودن ساختار جدید کافی به نظر می‌رسد.	۲۰۰۴	داویس
موقعیت قرارگیری، عملکردی	میان افزایی، گونه‌ای از توسعه کاربری مسکونی یا سایر کاربری‌ها در محدوده‌های پراکنده و خالی در مناطق ساخته شده شهری است.	۲۰۰۴	موسکوویتز و لیندبلوم
-	میان افزایی پاسخی در برابر مسائل پراکندگی نامنظم شهری است و تأثیر قابل توجهی بر تراکم و فرم شهری دارد.	۲۰۱۰	مک کانل و وایلی
موقعیت قرارگیری	میان افزایی، استفاده مجدد و جایگزینی سایت‌ها و ساختمان‌های فرسوده و کم‌مصرف برای توسعه‌های جدید و بهتر است.	۲۰۱۲	لهمان
موقعیت قرارگیری	میان افزایی، ساده‌ترین نوع توسعه یا باز توسعه زمین‌هایی است که رها شده و خالی مانده‌اند و یا در جریان توسعه مداوم شهرها کم‌مصرف بوده‌اند.	۲۰۱۶	گلسوری

سنگی، ۱۳۸۹). رشد هوشمند شهری در ۱۹۹۷ م.، با هدف اصلاح پراکندگی شهری مطرح شد و تداوم نوشهرگرایی در مقیاس خرد و ابعاد کالبدی، فضایی-مکانی بستر را مینا قرار داد (همان). آمیختگی توسعه میان‌افزا با توسعه پایدار، هوشمند و نوشهرگرایی زیرمجموعه توسعه درون‌زا علاوه بر تکمیل اصول توسعه میان‌افزا، موجب شد که میان‌افزایی از مبنایی اقتصادی، به مفاهیم زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی نیز توجه کند (جدول ۲).

حوزه مطالعاتی حفاظت-مرمت

میان‌افزایی در بافت تاریخی باید در ارتباط با مطالعات حفاظت-مرمت نیز بررسی شود. این الزام برخاسته از پیامدهای میان‌افزایی به عنوان یکی از راه‌های مداخله در بافت تاریخی است. برای دستیابی به نگرشی جامع از رویکرد این حوزه، هر دو گروه نظریه‌پردازان و منشورها بررسی می‌شوند.

• نظریه‌پردازان

اوژن ویوله لودک (۱۸۷۹-۱۸۱۴ م.) جزو اولین نظریه‌پردازانی

نامناسب هستند. مؤلفه عملکردی نیز به کاربری‌های مسکونی یا غیرمسکونی، بازسازی و استفاده مجدد از ساختمان‌های کم‌مصرف و حتی ابنیه تاریخی به شرط توسعه شهر در زمین‌های خالی توجه می‌کند (Listokin et al, 2006, 13). این نوع از توسعه یکی از راهکارهای پیشنهادی در توسعه درون‌زا است (شریفیان، ۱۳۸۹) و راهکارهایی ارائه می‌دهد که با بهره‌گیری از شرایط و ظرفیت‌های درونی، مانع توسعه پراکنده شهر به اطراف شود. جنبش‌های نوشهرگرایی، توسعه پایدار و توسعه هوشمند نیز، هر یک با تأکید بر بخشی از اصول توسعه درون‌زا بر توسعه میان‌افزا تأکید دارند.

جنبش نوشهرگرایی در دهه ۱۹۸۰ م. با توجه به معضلات ترافیکی، تنش‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی مطرح و ابزاری «برای محافظت از منابع محیطی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و پیکره اجتماعی» شمرده شد (همان، ۴۸-۴۷). توسعه پایدار نیز در سال ۱۹۸۹ م. جهت ارائه راه‌حل برای مشکلات محیطی و شهری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و زیست‌محیطی مطرح شد (میرمقتدایی، رفیعیان و

جدول ۲. رویکرد شهرسازی به معماری میان‌افزایی در نظریه‌های مرتبط. مأخذ: نگارندگان.

منبع	اصول و رویکردهای مرتبط	تاریخ	نظریه
میرمقتدای و دیگران ۱۳۸۹.	استفاده از امکانات موجود در سطح شهر و اطراف آن برای طرح‌های توسعه	۱۹۸۰	توسعه درون‌زا
قربانی، نوشاد، ۱۳۸۷، حیدری، ۱۳۹۲.	حفاظت از زمین‌های سبز و کشاورزی، تراکم شهری، ممانعت از پراکندگی، حل معضلات ترافیکی، اختلاط کاربری، خودبسندگی شهر، توجه به نیازهای انسانی، ایجاد ارتباط و اتصال شهری، اولویت حمل‌ونقل پیاده و دوچرخه، افزایش فرصت انتخاب، کاهش آلودگی، ایجاد فضای باز شهری و تمایز.	۱۹۸۹	توسعه پایدار
رحمانی، شمس، ۱۳۹۳، زنگنه، شهرکی، همتی‌زاده، ۱۳۹۴.	توسعه فشرده و درون بافت، اختلاط کاربری و ارائه خدمات عمومی، بهبود حمل‌ونقل شهری و ارتباطات، افزایش مشارکت مردمی، افزایش فرصت انتخاب، ایجاد حس مکان، ایجاد فضای باز شهری و مزارع، توجه به زیبایی طبیعی، ایجاد تمایز و تفکر مقتصدانه.	۱۹۹۷	توسعه هوشمند
محمد دوست و دیگران، ۱۳۹۵	ایجاد امکان حمل‌ونقل هوشمند، افزایش تراکم، اختلاط کاربری، پیاده‌حوری، ایجاد اتصال شهری، معماری و شهرسازی باکیفیت، ایجاد ساختار همسایگی، توجه به پایداری و ارتقای کیفیت زندگی.	۱۹۸۰	نوشهرگرایی

منبع	معیارها	ابعاد
پژوهشی و دیگران، ۱۳۹۲	ارائه انتخاب‌های حمل‌ونقل، کاهش و حذف سیمای عمومی پارکینگ‌ها، توجه به محیط، ایجاد دستورالعمل طراحی شهری، بازسازی خانه‌های موجود	کالبدی- محیطی
	استفاده از پارکینگ‌های اشتراکی، تعیین ناحیه دارای پتانسیل‌های ذاتی توسعه میان‌افزا، ایجاد احساس ایمنی با عناصر طراحی، تسهیل امکان نفوذ پیاده‌ها و ماشین‌ها درون بلوک‌های شهری	کارکردی- عملکردی
	درگیر کردن ساکنان در تمام شئون، اعلان عمومی شرایط قطعات، استفاده از مالیات‌های مختلف، خلق مشارکت عمومی و خصوصی جهت مهیا کردن تسهیلات مالی، آگاهی‌یافتن در مورد هرگونه مجادلات سیاسی و تاریخی موجود، وجود تنوع در اندازه‌ها و قیمت‌های مساکن، باززنده‌سازی جوامع رو به انحطاط، اجتناب از جابه‌جایی ساکنان در طول زمان اجرای پروژه، تثبیت و حمایت مشاغل محلی و سازمان‌های غیرانتفاعی، حفظ تصویر سنتی محله‌ها.	اجتماعی- اقتصادی

م. معتقد بود افزودن ساختارهای جدید در بافت به شرط معاصرنبودن سبک آن و اتخاذ سبک بنا یا بافت تاریخی مجاور به شیوه‌ای خنثی، خلاصه شده و ساده و صریح می‌تواند صورت گیرد. این نظر امروزه با انتقادات و مخالفت‌هایی روبرو است (مظاهریان و شاه‌تیموری، ۱۳۹۱). پاتریک گدس (۱۹۳۲-۱۸۵۴ م.) معتقد بود در سطح شهر باید تداوم تاریخ معماری قابل رؤیت باشد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۴، ۶۱). او معتقد بود که طراحی باید متکی به کلیت زمینه موجود انجام شود و نباید مطابق با جریان‌های زودگذر دوره‌ای مشخص باشد (Siravo, 2011).

لوکوربوزیه (۱۹۶۵-۱۸۸۷ م.) معتقد بود وجود تعدادی بنا یا شاخص در سطح شهر کافی است. سایر ابنیه و بافت تاریخی را باید تخریب و ابنیه جدید را جایگزین کرد. این شیوه هرگز به عنوان نحوه مداخله در معماری میان‌افزا مطرح نبوده است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۴، ۶۱). لوئیس مامفورد (۱۸۹۵-۱۹۹۰ م.) معتقد بود نکته اصلی در این میان، توان ایجاد پیوند بین اجزای مختلف شهر است (پاکزاد، ۱۳۸۶).

است که در مورد معماری میان‌افزا به بنای تاریخی اظهار نظر کرد. او معتقد بود استفاده از طرح‌ها و حتی مصالحی که نشان از زمان و سبکی جز زمان و سبک بنای تاریخی دارند، قابل قبول نیست (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۴، ۳۷). جان راسکین (۱۹۰۰-۱۸۱۸ م.) اضافه کردن بخش‌های تازه را «به دلیل جلوگیری از شناخت بنای باستانی به منزله یک سند تاریخی» (فلامکی، ۱۳۸۶، ۱۸) قابل قبول نمی‌داند. کامیلو بویی تو (۱۹۱۴-۱۸۳۶ م.) پیشنهاد باززنده‌سازی و اعطای کارکرد جدید به بافت تاریخی را در برابر حفاظت ویژگی‌های شکلی-سبکی بنا ارائه داد و به استفاده از مصالح و سبک‌های جدید تأکید کرد (ابلقی، ۱۳۸۲). کامیلو سیته (۱۸۴۳-۱۹۰۳ م.) مداخله‌ای را پیشنهاد کرد که در آن، میان طراحی شهری و معماری (عملکرد، تکنولوژی و زیبایی‌شناسی) ارتباطی صحیح برقرار شده باشد (Siravo, 2011). لوکا بلترامی (۱۹۳۳-۱۸۵۴ م.) ساخت‌وسازهای جدیدی را که موجب بازگرداندن بافت تاریخی به شرایط و اوضاع اولیه باشند، قبول داشت (فلامکی، ۱۳۸۶، ۲۳). گوستاو جیوانی (۱۸۷۳-۱۹۴۷)

جدول ۳. آرای نظریه‌پردازان حوزه حفاظت در مورد ساختارهای جدید در بافت تاریخی. مأخذ: نگارندگان.

نام نظریه‌پرداز	تاریخ	حوزه مداخله	شیوه مداخله	رویکرد میان‌افزایی در بافت تاریخی		
				رد	مشروط ^۲	مقبول
اوژن ویوله لودوک	۱۸۷۹-۱۸۱۴	تک بنا	بهسازی، نوسازی، بازسازی	■		خدشه‌دارشدن اصالت بنا و بافت تاریخی به دنبال میان‌افزایی
جان راسکین	۱۹۰۰-۱۸۱۸	تک بنا	بهسازی	■		ممانعت از شناخت بافت تاریخی به مثابه سند تاریخی به دنبال میان‌افزایی
کامیلو بویی تو	۱۹۱۴-۱۸۲۶	شهر	باززنده‌سازی		■	پیشنهاد استفاده از سبک‌ها و مصالح جدید
کامیلو سیت	۱۹۰۳-۱۸۴۳	شهر	بهسازی و نوسازی		■	تلفیق ساختمان جدید با قدیم با رعایت الفبای بهسازی
گوستاو جیوانی	۱۸۲۷-۱۹۴۷	شهر	بهسازی و نوسازی		■	استفاده از سبک بافت تاریخی، تلخیص و خنثی کردن آن برای طراحی ساختار جدید
لوکا بلترامی	۱۸۵۴-۱۹۳۳	تک بنا	بازسازی	■		ساختارهای جدید قابل قبول در بافت تاریخی بستر ساز بازگرداندن بافت به شرایط اولیه
گوستاو جیوانی	۱۸۲۷-۱۹۴۷	شهر	بهسازی و نوسازی		■	استفاده از سبک بافت تاریخی، تلخیص و خنثی کردن آن برای طراحی ساختار جدید
لوکوربوزیه	۱۸۸۷-۱۹۶۵	شهر	بازسازی	■		تخریب بافت و بنای تاریخی و جایگزینی معماری معاصر، حفاظت از تعدادی از بناهای بارز تاریخی
لوئیس مامفورد	۱۸۹۵-۱۹۹۰	شهر	بهسازی و نوسازی		■	ایجاد پیوند بین بافت‌های مختلف شهر
پاتریک گدس	۱۸۵۴-۱۹۳۲	شهر	بازسازی و بهسازی		■	استفاده از سبک معاصر و تلاش برای ایجاد تداوم در سطح شهر
لئوناردو بنه‌ولو	۲۰۱۷-۱۹۳۳	شهر	بازسازی		■	افزودن بنای جدید در بافت تاریخی به شرط تمایز کالبدی، تفاوت عملکردی و ایجاد تعادل میان جدید و قدیم

(۲۰۱۰ م.) و کنفرانس مادرید (۲۰۱۱ م.) توجه به زمینه لزوم هماهنگی ساختار جدید در بافت تاریخی را در کنار لزوم پرهیز از ایجاد ناسازگاری و غلبه بصری ساختار جدید مطرح می‌کنند. خلاصه‌ای از مطالب ذکر شده را در **جدول ۴** می‌توان مشاهده کرد.

حوزه مطالعاتی معماری

حوزه معماری باید نگاهی چندبعدی و همه‌جانبه به موضوع داشته باشد. حفاظت از بافت و بنای تاریخی، کمک به پیوستگی و کلیت شهر، احیا و بازگرداندن زندگی شهری به بافت، در کنار پاسخگویی به تغییر ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، زیبایی‌شناختی و انتظارات جامعه، معرفی معماری معاصر و افزودن لایه تاریخی مرتبط به آن به لایه‌های تاریخی موجود از وظایف معمار در طراحی داخل بافت تاریخی است (Macdonald, 2011, 13). مبتنی بر این نگاه چندبعدی حوزه معماری ملزم است علاوه بر مفاهیم و الزامات مربوط به تخصص خود، توجه ویژه‌ای به رویکردهای مدنظر شهرسازی و حفاظت معطوف کند، ولی برخلاف دو حوزه دیگر، مواجهه با رویکردی ثابت و مورد توافق همه صاحب‌نظران این حوزه امکان‌پذیر نیست. مطالعه بر روی نمونه‌ها و سبک‌های طراحی مختلف در هر یک به‌وضوح این عدم ثبات را نشان می‌دهد. واکاوی سبک‌های مختلف نشان می‌دهد سه جهت‌گیری عمده در معماری میان‌افزا وجود دارد. با توجه به این سه جهت‌گیری و اهداف و دستاوردهای هر یک می‌توان سه رویکرد عمده در این حوزه را برای معماری میان‌افزا در بافت تاریخی ارائه داد. در رویکرد اول، محافظه‌کاری، اصل بر حفاظت بافت تاریخی و کمک به تداوم و پیوستگی آن است و تا حد امکان طرح با تبعیت از زمینه تاریخی طراحی می‌شود که تمایلی به افزودن لایه تاریخی معاصر به بافت ندارد. استفاده از رویکرد تشابه پیشینه‌ای یا سبکی، رویکرد ناسازی‌ترئینی^۱، پنهان کردن و حفظ نما جزو روش طراحی در این رویکرد است (قدیری، ۱۳۸۵، ۲۰-۳۴) که اگر به تقلید صرف از سبک‌های معماری گذشته بیانجامد، در تقابل با آرا و توصیه‌نامه‌های گرایش حفاظت خواهد بود. از جانب دیگر در صورت عدم تجربه کافی طراح، ایمن‌ترین مسیر برای دستیابی به نتایج قابل قبول با حداقل آسیب‌رسانی به بافت تاریخی است.

رویکرد دوم، معاصر سازی، اولویت را به افزودن بنای معاصر می‌دهد که توانایی بیانگری ارزش‌های مربوط به انسان معاصر را دارد. بنابراین حفاظت و الزامات شهرسازی را اولویت‌های بعدی می‌داند. سبک‌های طراحی در این نگرش معمولاً به گرایش‌های زمینه‌گریزی و زمینه‌ستیزی منتهی می‌شوند که گاه می‌توانند موجب جذب سرمایه‌گذار شوند، توانایی تبدیل اثر به برند شهری و حتی جهانی و جذب گردشگر را دارند و

(۴۰۳). لئوناردو بنه‌ولو (۱۹۳۳-۲۰۱۷ م.) نیز افزودن بنای جدید در بافت تاریخی را به شرط تمایز کالبدی، تفاوت عملکردی و ایجاد تعادل میان جدید و قدیم مطرح کرد. این نظریات بعدها بر رویکرد حوزه مرمت به میان‌افزایی و تدوین راهکارها بسیار اثرگذار بوده‌اند. خلاصه مطالب گفته شده در **جدول ۳** بیان شده است.

• منشورها و توافق‌نامه‌ها

گروه سیام در رویکرد پیشنهادی منشور آتن (۱۹۳۱ م.) الزام عدم استفاده از سبک‌های مورد استفاده در معماری گذشته را بیان می‌کند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۴، ۱۵۶). در منشور آتن (۱۹۳۳ م.) ساختارهای جدید و مورد قبول در محیط‌های تاریخی، آنهایی هستند که با احترام به ساختارهای اطراف، توجه به حجم، رنگ و نمای بناهای مجاور، الزام خنثی یا فاقد جاذبه بودن ساختارها و لزوم توجه به خصوصیت، سیما و دورنمای شهری ساخته شده‌اند (مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۱، ۷۰). تصویب‌نامه کنگره کوبینو (۱۹۶۰ م.) مناسب‌ترین شیوه مداخله در بافت را بازسازی عنوان می‌کند. این منشور بر لزوم تأمین نیازهای معاصر شهروندان و ساکنان در بافت‌های تاریخی نیز تأکید دارد. سازمان یونسکو نیز در منشور ونیز (۱۹۶۴ م.) اشاره می‌کند که به ملحقات بنا طی زمان احترام گذاشته شود و بنای میان‌افزا علامت و نشانی از زمان خود را منعکس کند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۴، ۱۵۷). مصوبه اجلاس پاریس (۱۹۶۸ م.) پیشنهاد می‌کند هر مداخله با توجه به مقررات و قوانینی صورت پذیرد و توسط سازمان‌های مرتبط بر آن نظارت شود. کنگره رم (۱۹۷۲ م.) نیز لزوم توجه به ساختار و استخوان‌بندی شهر در کنار توجه به اصالت و شخصیت بافت و بنای تاریخی را در مداخله‌ها مطرح می‌کند. در بیانیه روتنبرگ (۱۹۷۵ م.) پیشنهاد استفاده از طرح‌های مبتکر، که موجب تقویت بافت تاریخی می‌شوند، ارائه شده است. در یادداشت میراث جهانی و معماری معاصر (۲۰۰۵ م.) و توصیه‌نامه منظر شهری (۲۰۱۲ م.) لزوم افزودن ساختارهای جدید در بافت تاریخی با توجه به ارزش‌های بافت با رویکردی معاصر یادآور می‌شود. گروه ایکوموس در بیانیه بوداپست (۱۹۷۲ م.) به عدم تقلید و انعکاس سبک‌های تاریخی در ساختارهای جدید داخل بافت تاریخی اشاره می‌کنند. در منشور مراقبت از شهرها و مناطق تاریخی ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۲ م.) بیان شده است که ساختارهای جدید با وجود انعکاس معماری معاصر باید در هماهنگی با شاخصه‌های بافت تاریخی باشند. منشور گردشگری فرهنگی (۱۹۹۹ م.) افزودن ساختار جدید را مستلزم توجه بیشتر بر روش‌های طراحی، ساخت و حتی استفاده از مصالح بومی می‌داند. منشور نیوزلند

جدول ۴. رویکرد گروه‌های حوزه حفاظت در مورد ساختارهای جدید در بافت تاریخی. مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	پیشنهاد میان‌افزایی			حوزه مداخله	تاریخ	نام منشور/کنگره	نهاد اجرایی
	مقبول	مشروط	رد				
به‌کاربردن سبک‌های گذشته در ساختمان‌های جدید عواقبی آسیب‌زا دارد، کاربری پیشنهادی برای این ساختار موزه است.	■			بنای تاریخی	۱۹۳۱	منشور مرمت آتن	سازمان اسکان و گردشگری
ساختارهای جدید باید به سبک معاصر ولی خنثی، صریح و مطابق زمینه طراحی شوند.	■			شهر	۱۹۳۳	منشور آتن	
برآورد نیازهای معاصر شهروندان شهرهای قدیم و معاصرسازی ضروری است.				اطلاعات ناکافی برای تعیین نگرش	۱۹۶۰	کنگره گوبیتو	
ساختارهای جدید نباید روابط موجود در بافت را (حجم و رنگ) دگرگون کنند. تعادل اجزا و رابطه آن با محیط اطراف جزو اصول پیشنهادی است.	■			بنا و مجموعه‌های تاریخی	۱۹۶۴	کنگره ونیز	سازمان اسکان و گردشگری
بر قالب ضوابط بر ساختارهای جدید نظارت شده و از تخریب فضاهای محلات تاریخی به‌دنبال میان‌افزایی ممانعت شود.	■			شهر	۱۹۶۸	اجلاس پاریس	
از اصالت و استخوان‌بندی بافت حفاظت شده و به ارتباط حجم و رنگ محیط اطراف آسیبی وارد نشود.	■			شهر	۱۹۷۲	کنگره رم	
توسعه‌های جدید باید با توجه به شخصیت ساختمان‌های غالب و کیفیت بصری آنها صورت گیرد.	■			شهر	۱۹۷۵	بیانیه روتبرگ	سازمان اسکان و گردشگری
ساختارهای جدید در صورت الزام و در ترکیب و تلفیق همساز و هماهنگ و با توجه به حفاظت یکپارچگی کلیت بافت طراحی شوند. اجزای این کلیت باید به یکدیگر، به بهترین نحو متصل شوند.	■			شهر	۱۹۷۶	توصیه‌نامه حراست از محدوده‌های تاریخی	
ساختارهای جدید نباید سبک شبه‌تاریخی و توانایی ایجاد پیوستگی فرهنگی از طریق مداخلات را داشته باشند.	■			شهر	۲۰۰۵	یادداشت میراث جهانی و معماری معاصر	
مداخلات معاصر به طور هماهنگ با میراث یکپارچه شوند.	■			شهر	۲۰۱۲	توصیه‌نامه منظر شهری	سازمان اسکان و گردشگری
میان‌افزایی در بافت تاریخی در ارتباط نزدیکی با مفاهیم طراحی شهری و معیار هرگونه روش طراحی، اعتبار و سندیت بافت تاریخی است.	■			شهر	۱۹۷۲	بیانیه بوداپست	
ساختارهای جدید می‌توانند به سبک معاصر ولی در هماهنگی با محیط اطراف، مقیاس، ساختارفضایی و اتصال متناسب باشند.	■			شهر	۱۹۹۲	منشور مراقبت از شهرها و مناطق تاریخی ایالات متحده آمریکا	
وجوه زیبایی، اجتماعی، فرهنگی-طبیعی و زیست‌محیطی باید مدنظر قرار داده شوند. استفاده از مصالح، مواد و سبک بومی در ساختارهای جدید ارجح است.	■			مکان	۱۹۹۹	منشور گردشگری فرهنگی	سازمان اسکان و گردشگری
اثر جدید در فرم یا بافت اصیل اولیه نقش تکمیل‌کنندگی دارد بنابراین باید از تضادهای نامناسب یا ناسازگاری در فرم، مقیاس، توده، رنگ و مصالح پرهیز شود.	■			تک بنا و شهر	۲۰۱۰	منشور نیوزلند	
الحاقات و افزوده‌های جدید جنبه تکمیل‌کنندگی دارند. بهتر است از رقابت میان آنها با بخش کهن جلوگیری شده و از زمینه تقلید نشود.	■			شهر	۲۰۱۱	کنفرانس مادرید	

و تباین و معماری ناپایدار دو روش اصلی مختص طراحان این گروه است (قدیری، ۱۳۸۵، ۴۳-۶۷). رویکرد سوم، اعتدال‌گرایی، برای هر سه حوزه مطالعاتی به یک میزان اهمیت قائل است. این رویکرد به کمک روش طراحی

حفاظت از بافت و غنای چهره شهر را نیز به‌علت تنوع بصری برخاسته از طرح به دنبال خواهند داشت. به علاوه لایه‌های مختص معماری معاصر را نیز به بافت می‌افزایند و به حیات و پویایی آن کمک می‌کنند (CABE, 2005, 5). رویکرد تضاد

جدول ۵. رویکرد میان‌افزایی در حوزه معماری. مأخذ: نگارندگان.

اصول طراحی	سبک طراحی	رویکرد معماری
حفاظت بافت تاریخی و کمک به تداوم و پیوستگی آن	تشابه سبکی، رویکرد نماسازی تزئینی، پنهان کردن و حفظ نما	محافظه‌کاری
افزودن بنایی معاصر مطابق با ارزش‌های انسان معاصر	تضاد و تباین و معماری ناپایدار	معاصرسازی
توجه یکسان به هر سه گرایش	درجه صفر، معماری آیینهای و استفاده از خطوط وحدت‌بخش	اعتدال‌گرایی

اثرپذیر خواهد بود. به‌علاوه اثرات افزودن آن به بافت تاریخی نیز بر این سه گرایش مؤثر است. بر این مبنا باید تعامل میان سه گرایش شهرسازی، مرمت و معماری، تعاملی همه‌جانبه و در قالب چرخشی در نظر گرفته شود که نه‌تنها وابستگی و ارتباط این سه گرایش را به‌خوبی بیان کند، بلکه نشان‌دهنده ماهیت طراحی و ارزیابی میان‌افزایی‌ها در بستر تاریخی نیز باشد؛ چراکه اثر هر یک از این گرایش‌ها باید در تعامل و سازش‌مندی با دو گرایش دیگر بررسی شود (تصویر ۱).

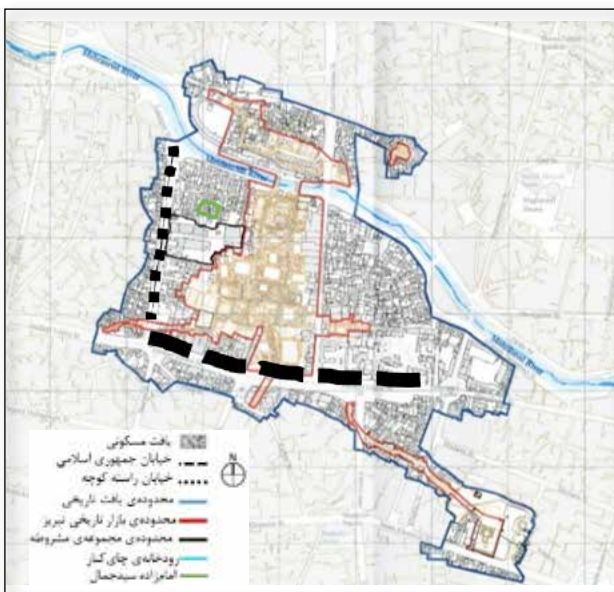
نمونه مورد مطالعه: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی شهر تبریز

این مجموعه با کاربری تجاری بر زمینی قرار دارد که پیش از تخریب، کاربری تجاری-مسکونی داشته و در حاشیه غربی بازار تبریز واقع شده است. این مجموعه شامل چندین بلوک تجاری و یک پارکینگ است. موقعیت قرارگیری آن در کنار بازار تاریخی تبریز است که از پررونق‌ترین و وسیع‌ترین مجموعه‌های تجاری و مسقف در جهان بوده و کارکردی چندگانه در شکل‌یابی شهر ایفا کرده (بهمنش‌راد، ۱۳۸۹، ۱۸۹-۱۹۰) و پیوستگی کالبد آن تا حدودی تا

معماری خنثی یا درجه صفر، معماری ناآشکار یا آیینهای و استفاده از خطوط وحدت‌بخش (همان، ۸۷-۹۳) بنایی معاصر را به بافت تاریخی اضافه می‌کند. چنین بنایی در صورتی که فرم‌هایی در تضاد با فرم‌های آشنا و مانوس بافت نداشته باشد، هم‌زمان نظر طراح شهری و گروه حفاظت را نیز جلب می‌کند. جمع‌بندی مطالب گفته‌شده در جدول ۵ قرار دارد.

الگوی میان‌رشته‌ای معماری میان‌افزا در بافت تاریخی

هرچند افزودن ساختار جدید در بافت تاریخی، مقوله‌ای برخاسته از گرایش شهرسازی است، با این وجود نباید آن را به این حوزه محدود کرد. با توجه به اینکه بافت تاریخی به عنوان یک بستر، مورد مطالعه شهرسازی، حفاظت و معماری است، ساختار جدید در آن نیز باید در قالب تعاملی میان این سه گرایش مدنظر قرار گیرد. به علاوه شهرسازی، حفاظت و معماری، سه گرایش مرتبط با هم هستند؛ برخاسته از این هم‌بستگی، مداخله مطابق با هر یک از این سه حوزه، بر مداخلات در دو حوزه دیگر مؤثر خواهد بود. بر این اساس ساختارهای جدید در بافت تاریخی از رویکرد شهرسازی، حفاظت و معماری در مبحث میان‌افزایی



تصویر ۲. موقعیت مجموعه تجاری مشروطه در بافت و بازار تاریخی شهر تبریز. مأخذ: www.whc.unesco.org.



تصویر ۱. ارتباط رویکردها و حوزه‌های شهرسازی، حفاظت و معماری در مقوله میان‌افزایی داخل بافت تاریخی، مأخذ: نگارندگان.

و نشانه‌گونی متناسب با شاخصه‌های سبک معماری خاص منطقه و افزایش تراکم و اختلاط کاربری همراه است. این موارد، توجه پروژه را به چند اصل در مباحث توسعه پایدار شهری، نوسه‌گرایی و توسعه هوشمند نشان می‌دهد. به علاوه، تعیین هدف احیای بافت تاریخی هم‌جوار، گوشه‌نگاهی به مرمت معماری و مرمت شهری دارد که به کمک احیای بافت، سعی در برقراری پیوند کالبدی و غیرکالبدی بین گذشته، حال و آینده داشته و ارتقای کیفیت حیات شهری را هدف‌گذاری کرده است. به علاوه با هدف ایجاد ترکیبی مناسب از سنت و مدرنیته

امروز حفظ شده است. وسعت طرح پیشنهادی، مجموعه تجاری مشروطه را به یکی از میان‌افزایی‌های مهم در این بافت تاریخی تبدیل کرده است (تصویر ۲).

یافته‌های پژوهش

تحلیل مجموعه مشروطه مبتنی بر تصویر ۱ مشخص می‌کند که تعریف این بنا با کاهش تمایل توسعه بیرونی شهر، حفاظت و توجه به سیستم‌های حمل‌ونقل پیاده‌محور و دوچرخه‌محور، ایجاد تسهیلات برای سیستم حمل‌ونقل سواره، توجه به مقیاس انسانی، تلاش برای ایجاد تمایز

جدول ۶. رویکرد شهرسازی، معماری و حفاظت در بازار مشروطه. مأخذ: نگارندگان.

رویکرد	معیار	معیارهای هر رویکرد	تصویر	توضیحات
شهرسازی	توسعه هوشمند	اختلاط کاربری، افزایش تراکم		ارتقای کیفیت طراحی شهری به کمک فضا سازی، ممانعت از ورود اتومبیل به داخل مجموعه؛ پیاده‌محوری
	توسعه پایدار	اختلاط کاربری، افزایش تراکم شهری، برقراری اتصال و ارتباط شهری، ایجاد تسهیلات حمل‌ونقل، تطابق با نیاز انسانی، پیاده‌محوری، استفاده از زمین‌های خالی در توسعه شهری.		
حفاظت	نوسه‌گرایی	برقراری اتصال و ارتباط شهری، اختلاط کاربری، تلاش برای ارتقای کیفیت طراحی فضای عمومی شهری، افزایش تراکم، پیاده‌محوری.		
	مرمت شهری	ایجاد شرایط مناسب برای ارتقای سطح زندگی، حفظ و ارتقای هویت شهری، تلاش برای توان‌بخشی کالبدی-کارکردی و توان‌بخشی اجتماعی-اقتصادی و ارتقای سطح بهداشت، تلاش برای برقراری پیوند میان حال، آینده و گذشته.		توان‌بخشی کارکردی و بهداشتی به کمک فضا سازی شهری با هدف کمک به موجودیت بازار تاریخی تبریز، فضا سازی شهری جهت ارتقای سطح زندگی مخاطبان آن
معماری	مرمت معماری	مؤثر بر روند حفاظت و مرمت امام‌زاده سیدجمال در بخش شمالی مجموعه و علی ابن مجاهد در بخش غربی مجموعه		بازتعریف ورودی قدیم بازار تاریخی تبریز؛ برقراری پیوند میان گذشته، حال و آینده
	محافظة کاری	-		استفاده از ریتم و غالب‌ترین مصالح بازار تاریخی تبریز، آجر، در طرح بازار مشروطه، استفاده از سنگ و سازه بتنی در اجرا، اعطای کاربری منطبق با نیازهای معاصر.
معماری	معمارسازی	استفاده از بیان معاصر معماری با توجه به شاخصه‌های معماری ایران.		
	اعتدال‌گرایی	-		

ساختار جدید در بافت تاریخی نیز انطباق بیشتری دارد (جدول ۶).

بحث در خصوص یافته‌ها

هرچند میزان موفقیت پروژه در طراحی و اجرا نیازمند بررسی‌های جداگانه است، ولی مجموعه مشروطه به برقراری ارتباط و تعامل مطابق الگوی پیشنهادی تحقیق تا حدی

در طرح معماری، از نگرش رو به گذشته در مصالح و موتیف‌ها و سازه‌های به‌کاربرده‌شده در معماری معاصر، چون سیستم‌های تیر و ستونی بتنی و تعریف کاربری‌های منطبق با نیاز زندگی معاصر چون بازار لوازم دیجیتال، استفاده شده است تا به بیانی امروزی در طرح معماری دست یافته شود. این کار فرصت رؤیت تداوم تاریخی را در بافت بازار تبریز ملموس‌تر می‌کند و با شاخصه‌های

جدول ۷. تحلیل SWOT تأثیر مجموعه مشروطه در بافت تاریخی تبریز. مأخذ: نگارندگان.

عوامل بیرونی		فرصت‌ها-O-	تهدیدها-T-
عوامل درونی	راهبردهای SW	افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری در این دست پروژه‌ها، نیاز منطقه به تعریف کاربری‌های جدید مطابق با نیازهای معاصر، لزوم افزایش کیفیت فضای شهری و بافت تاریخی برخاسته از ماهیت گردشگرپذیری محدوده، عدم نیاز به تأمین تأسیسات زیربنایی، لزوم برنامه‌ریزی برای زمین‌های خالی در محدوده و لزوم حفاظت از بافت تاریخی براساس متد متأخرتر.	ناپیوستگی در بافت، ترافیک بالا و آلودگی هوا و صوت، عرض کم برخی معابر، مخالفت گروهی از متخصصین و مردم با این روش از مداخله، تجربه کم متخصصان ایرانی در این روش، خطرهای ناشی از ورود ماشین‌آلات ساختمان‌سازی به بافت تاریخی، فرسودگی در بافت تاریخی برخاسته از روند ساخت ساختار جدید
	نقاط قوت-S-	حفاظت و معماری، امکان مطرح‌شدن پروژه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، جلب توجه به لزوم بهبود کیفیت شهر در این منطقه	راهبردهای ST
	افزودن لایه معاصر به لایه‌های تاریخی موجود، ممانعت از تغییر در بافت فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی بافت، کمک به حفاظت از ابنیه تاریخی هم‌جوار، کمک به توسعه پایدار شهری، استفاده از پتانسیل‌های موجود برای بهبود شرایط و کیفیت شهر در هر سه حوزه و کمک به کاهش هزینه و صرفه‌جویی در زمان و انرژی.	راهبردهای WO	راهبردهای WT
	نقاط ضعف-W-	قانون‌گذاری و فرهنگ‌سازی در راستای استفاده بیشتر از حمل‌ونقل عمومی و جایگزین، استفاده از سرمایه‌گذاری‌ها برای مطالعه مناسب‌ترین روش میان‌افزایی مطابق بافت	تعریف پروژه‌های میان‌افزا به کمک گروه‌های با تجربه، طراحی با تکیه بر روش‌های محافظه‌کارانه در انطباق با منشورهای بین‌المللی، تدوین فرایند طراحی و ساخت به صورت مشارکتی و با دخالت متخصصان هر سه حوزه، تکیه بر مطالعات و تجارب مشابه به‌ویژه پروژه‌های اجراشده در ایران.

تعبیه شده و ایجاد بستر مناسب برای سرمایه گذاری بیشتر و بهتر در بافت و... دستاوردهایی منفی نیز داشته است که به کمک راهبردهای ضعف-فرصت، فرصت-قوت و قوت-تهدید قابل بررسی و رفع هستند (جدول ۷). در نهایت می توان نتیجه گیری کرد که برای میان افزایی مجموعه تجاری مشروطه در بازار تبریز شدت، ضعف و اهمیت هر بخش و رویکرد هر گرایش، وابسته به بافت تاریخی، خواسته ها، نیازها، اولویت ها و سیاست گذاری ها تغییر می کند. هم چنین تحلیل هایی که بر مبنای الگوی میان رشته ای از معماری میان افزا صورت بگیرند، می توانند در ارزیابی عوامل دخیل در طراحی میان افزایی های جدید یا در حال ساخت سودمند باشد و بستر مناسبی را برای پیشنهادها و جهت دهی های آتی این پروژه ها فراهم آورند.

پی نوشت ها

۱. Infill architecture
۲. Infill development
۳. Second Habitat Conference
۴. Rehabilitation Engineering Research Center
۵. Utah envision
۶. Endogenous development
۷. این شیوه پیشنهادی برای افزودن ساختار جدید در بافت تاریخی اگر منجر به تقلید از زمینه شود، جزو معماری میان افزا محسوب نمی شود، ولی اگر ساختار جدید در قالب معماری مینیمال یا سایر شیوه های طراحی که تأکید بر صراحت و سادگی دارند، رخ دهد، گونه ای از معماری میان افزا خواهد بود.
۸. هر یک از این رویکردها در صورت داشتن ماهیت تقلیدی از بافت یا بنای تاریخی، رویکردی نادرست خواهد بود که علاوه بر نگرش حوزه مطالعات حفاظت و مرمت با نگرش مدنظر معماری نیز هم خوانی ندارد.

فهرست منابع

- ابلقی، علیرضا. (۱۳۸۲). جایگاه مرمت ابنیه تاریخی در فرایند مرمت شهری و تجارب سازمان عمران و بهسازی شهری در این زمینه. هفت شهر، ۱ (۱۳ و ۱۲)، ۸۳-۸۷.
- بهمنش راد، جواد. (۱۳۸۹). در جستجوی هویت شهر تبریز. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۶). سیر اندیشه ها در شهرسازی: از کمیت تا کیفیت. تهران: آرمان شهر.
- پورموسوی، سیدموسی، ناصر مستوفی، انوشیروان و شکوهی بیدهدنی، محمد صالح. (۱۳۹۳). شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان افزا در شهر تهران به عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶ (۴)، ۳۷-۵۷.
- ترک زبانه، شقایق و محمد مرادی، اصغر. (۱۳۹۰). ضوابط طراحی معماری در بافت های تاریخی. شهر و معماری بومی، ۱۱ (۱)، ۵۳-۶۶.
- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه. (۱۳۹۴). مرمت شهری؛ تعاریف، نظریه ها، تجارب، منشورها و قطع نامه های جهانی، روش ها و اقدامات شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- حیدری، جهانگیر. (۱۳۹۲). مبانی و مفاهیم توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری. تهران: آذرخش.

توجه داشته است. نکات مثبت و منفی حاصل از این نگرش را می توان در **جدول ۷** گردآوری کرد. مطابق این جدول هدف از میان افزایی مقوله های توسعه درونی و کارآمد شهر، ایجاد تطابق بیشتر با خواسته ها و زندگی معاصر شهروندان، کمک به حفاظت از بافت تاریخی و تلاش برای ارتقای کیفیت بافت شهری است که به واسطه تلاش برای ایجاد طرحی معاصر با هدف برقراری پیوند میان گذشته و حال بوده است. این جدول به وضوح رابطه متقابل میان سه حوزه دخیل را به کمک اثرگذاری و اثرپذیری های هر حوزه از دو حوزه دیگر، نشان می دهد. این جدول همچنین با توجه به وضعیت بنای میان افزا و با تکیه بر نقاط قوت و پتانسیل ها، استراتژی های مناسب جهت رفع ضعف و تهدیدها را نیز ارائه می دهد.

نتیجه گیری

در پاسخ به سؤال چيستی معماری میان افزا در چارچوب نگرشی بین رشته، یافته ها حاکی از آن است که تا به حال هر یک از گرایش های شهرسازی، معماری و مرمت، میان افزایی را در چارچوب های خود مطرح کرده اند. میان افزایی در شهرسازی برخاسته از نظریه توسعه درون زای شهری و در تعامل با اصول توسعه هوشمند و پایدار و نوشهرگرایی است که رویکرد آن را تبدیل به نگاهی با مقیاس بزرگ می کند و هدف آن ارتقا و بهبود کلیت شهر است. گرایش حفاظت این مبحث را مشروط به حفاظت از بافت و بنای تاریخی و اهمیت به ارتقای کیفیت این محیطها دانسته و آن را به اصول مرمت شهری و معماری تحدید کرده است. گرایش معماری علاوه بر توجه به اهداف شهرسازی و حفاظت، در طراحی ساختار جدید، مسئولیت افزودن ساختار معاصر و لایه مرتبط با آن را برعهده دارد تا مبتنی بر اولویت ها و سیاست گذاری ها، رویکرد معاصر سازی، محافظه کارانه و اعتدال گرایانه را پیشنهاد دهد. آنچه در این میان مهم است رابطه رفت و برگشتی و تعامل سازش مندی است که باید در فرایند طراحی میان سه گرایش برقرار شود.

در راستای بررسی ها، چگونگی تأثیر این الگو در مسیر ارزیابی میان افزایی صورت گرفته در بافت تاریخی بازار تبریز، نشان می دهد مجموعه مشروطه اصول مطرح در زمینه شهرسازی و مرمت شهری و معماری را به عنوان مسئله میان افزایی مدنظر داشته است. رویکرد معاصر سازی در طراحی آن هرچند از منظر کیفیت و هویت نیازمند بررسی جداگانه است ولی نشانگر توجه برنامه ریزان و طراحان به نیاز بافت تاریخی به عملکرد و کالبدی مطابق با زندگی معاصر نیز هست. تحلیل سوات بر مبنای الگوی میان رشته ای نیز نشان می دهد که این مجموعه با وجود دستاوردهای مثبتی چون بهبود شرایط استفاده از بازار تاریخی به سبب پارکینگ های

- CABE. (2005). *Design coding: testing its use in England*. London: Commission for Architecture and the Built Environment.
- Farris, J. T. (2001). The Barriers to Using Urban Infill Development to Achieve Smart Growth. *Housing Policy Debate*, 12(1), 1-30.
- Haughey, R. M. (2001). *Urban infill housing: Myth and fact*. Washington, D.C: Urban Land Institute.
- Lehmann, S. (2012). Sustainable Construction for Urban Infill Development Using Engineered Massive Wood Panel Systems. *Sustainability*, 4(12), 2707-2742.
- Listokin, D., Walker, C., Ewing, R., Cuddy, M. & Cander, A. (2006). *Infill development Standards and Policy Guide*. Retrieved from https://www.nj.gov/dca/divisions/codes/alerts/pdfs/2006_6_rev2007_4_infill_dev_std.pdf
- Macdonald, S. (2011). Contemporary architecture in historical urban environment. *Conservation Perspectives-The Ghetty Conservation Newsletter on Historic Cities*, 26(2), 13-15.
- McConnell, V. & Wiley, K. (2010). *Infill Development: Perspectives and Evidence from Economics and Planning*, Washington, D.C: Resources for the future.
- Robinson & Cole LLP. (2002). *Best Practices to Encourage Infill Development*. New York: National Association of Realtors. Retrieved from: [https://www.nar.realtor/smart_growth.nsf/docfiles/infilldevelopment.pdf/\\$FILE/infilldevelopment.pdf](https://www.nar.realtor/smart_growth.nsf/docfiles/infilldevelopment.pdf/$FILE/infilldevelopment.pdf)
- Siravo, F. (2011). Conservation Planning — The Road Less Travelled. *The Getty Conservation Institute Newsletter*, 26(2), 4-9.
- Warren, J., Worthington, J. & Taylor. S. (1998). *The historical context: principles and philosophies*. Boston: Architectural press.
- Worthington, J. (1998). *Conservation through development*. University of York: Architectural Press.
- رحمانی، امیر و شمس، وحید. (۱۳۹۳). *اصول، مبانی و دیدگاه‌های توسعه شهری با رویکرد رشد هوشمند شهر*. ملایر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- زنگنه شهرکی، سعید و همتی‌زاده، سمانه. (۱۳۹۴). حرکت به سوی رشد هوشمند شهری؛ *اصول و سیاست‌ها*. تهران: آراد کتاب.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- شاه‌تیموری، یلدا و مظاہریان، حامد. (۱۳۹۱). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی. *هنرهای زیبا*، ۱۷(۴)، ۲۹-۴۰.
- شریفیان، احسان. (۱۳۸۹). بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی شهر. *منظر*، ۲(۱۰)، ۴۷-۵۰.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۸۶). *باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*. تهران: دانشگاه تهران.
- قدیری، بهرام. (۱۳۸۵). *ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قربانی، رسول و نوشاد، سمیه. (۱۳۸۷). راهبرد رشد هوشمند در توسعه شهری، *اصول و راهکارها*. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۶(۱۲)، ۱۶۳-۱۸۰.
- محمدی‌دوست، سلیمان، خانی‌زاده، محمدعلی و زیلابی، شهباز. (۱۳۹۵). امکان‌سنجی به‌کارگیری اصول نوشهرگرایی در بازآفرینی پایدار محلات ناکارآمد و مسئله‌دار شهری با تأکید بر رشد هوشمند (مورد پژوهی: بخش مرکزی شهر اهواز). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۶(۲۴)، ۲۱۵-۲۳۰.
- مسعود، محمد و بیگزاده‌شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). *بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی (مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی)*. تهران: آذرخش.
- مظاہریان، حامد و شاه‌تیموری، یلدا. (۱۳۹۱). رویکردهای جهانی به حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی (بررسی نظریه‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی). *نقش جهان-مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی*، ۲(۱)، ۷-۱۸.
- میرمقتدایی، مهتا، رفیعیان، مجتبی و سنگی، الهام. (۱۳۸۹). تأملی بر مفهوم توسعه میان‌افزا و ضرورت آن در محلات شهری. *شهرداری‌ها*، ۱۰(۹۸)، ۴۴-۵۱.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

قره‌بگلو، مینو، نژادابراهیمی، احد و اردبیلی، ایلقار. (۱۳۹۸). معماری میان‌افزا؛ رویکردی میان‌رشته‌ای برای طراحی در بافت تاریخی؛ نمونه موردی: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز. *باغ نظر*، ۱۶(۷۶)، ۵۷-۶۸.

DOI: 10.22034/bagh.2019.142666.3713

URL: http://www.bagh-sj.com/article_93433.html

